

ریشه‌یابی مخالفت‌ها با همکاری ایران و چین در گفت‌وگو با استاد دانشگاه تربیت مدرس

مبنای تحلیل‌های مخالفان شنیده‌های بی‌سند است

زمینه پیوند استراتژیک میان تهران- پکن وجود دارد

گروه سیاسی/ برنامه جامع همکاری‌های ایران و چین هنوز نهایی نشده برخی مخالف خوانی‌ها علیه آن آغاز شده است. سهم رسانه‌های خارجی و مخالفان سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور از این مخالفت‌ها و البته شایعه سازی‌ها و خبرسازی‌ها بیشتر از منتقدان داخلی است. درباره ریشه‌ها و دلایل این مخالفت‌ها گفت‌وگویی کرده‌ایم با سید حسین طباطبایی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس که در ادامه می‌خوانید.

■ **شمارد یادداشت مورخ ۴ تیر ۱۳۹۹ در روزنامه ایران با عنوان «رابطه با چین؛ آری یا نه؟» به بررسی مسأله تقویت رابطه با چین پرداخته بودید، این روزها شاهد مخالفت‌ها و هشدارهای متعددی در این باره هستیم، نظر شما درباره مخالفت‌هایی که با این سند همکاری می‌شود، چیست؟**

قبل از هر چیز و با تأکید تام و تمام باید بگویم اصل نگرانی‌ای که محرک این مخالفت‌هاست، بسیار درست است. می‌گویم «اصل» این نگرانی، چون مسأله، مسأله مهمی است. حتی من گمان می‌کنم بتوانیم آن را دست‌کم از جهاتی مهم‌ترین مسأله دهه اخیر بدانیم. اما درباره نوع مخالفت‌ها، صادقانه بگویم، دریافت من این بوده که غالب تحلیل‌ها و اظهار نظر‌ها، مبتنی بر گمانه‌زنی و شنیده‌های بی‌سند است. مثلاً اینکه قرار است چینی‌ها نفت را در برابر کالای چینی بخرند، یا حتی اگر پولی می‌دهند دو سال بعد پرداخت کنند، یا جنس همکاری با ایران توسط چین از جنس قراردادهای این کشور در آفریقاست و قرار است مثلاً تمام یک بندر را در اختیار بگیرد، یا مثلاً حضور ۵ هزار نظامی چینی در ایران که ریشه در یک یادداشت در یک سایت انگلیسی زبان (پترولیوم اکونومیسٹ) دارد که سپتامبر ۲۰۱۹ نوشته شده است. این میان، دیگر فروش کیش و چابهار و... به چین که از جنس فروش خزر به روس‌ها و از آن بی‌مبنا تر است. البته این بدان معنا نیست که موافقتی برای همکاری با چین وجود دارند که مستند حرف می‌زنند، خیر. مسأله این است که اصلاً محتوای جدی و قطعی‌ای از مذاکرات و مدل همکاری و تعهدات طرفین هنوز وجود ندارد.

■ **پس این مخالفت‌ها برای چیست؟**
این را باید از خودشان پرسید، اما شاید بتوانم مخالفت‌ها را چنین توصیف کرد: به نظر می‌رسد بخشی از مخالفت‌ها و دلواپسی‌ها، جنبه سیاسی دارد، بخصوص برای خارج‌نشینان. یعنی چون کلیت نظام سیاسی مورد نقد این افراد است، هر تصمیم مهم مناقشه برانگیزش نیز مورد اعتراض قرار می‌گیرد. درواقع اگر مثلاً در سال ۱۳۸۰ بودیم برخی از این اعتراضات و ایراز نگرانی‌ها نمی‌شد، یا اگر مثلاً

■ **پس با این حساب این منتقدان اجمالاً درست می‌گویند؟**
ببینید مسأله اصلاً اینکه چه کسی درست یا غلط می‌گوید، نیست. من در میان مخالفین، دلسوزان واقعی می‌بینم، اما اصل داستان به نظر من چیز دیگری است. ایران جزو سه دارنده بزرگ گاز جهان است (دارنده و صادرکننده نفت هم که هست، مطابق اطلاعات بین‌المللی و رویه مصرف، در افاق ۲۰۵۰ گاز اولین منبع انرژی دنیا است و چین با فاصله پرمصرف‌ترین مصرف‌کننده انرژی خواهد بود. من با ضریب اطمینان بالایی ادعا می‌کنم بخش عمده دلواپسان رابطه با چین همین چند گزاره را هم نمی‌دانند و بعید نیست از ایشان بپرسم در سال ۲۰۵۰ اولین منبع انرژی چیست، بگویند انرژی خورشیدی. یا آنچه در نظر بسیاری از مخالفین دلسوز بود تأکید بر این بود که

روابط ایران و چین و پیامدهای استراتژیک آن

این رویداد نشانه یک دیدگاه کلان استراتژیک و باطل‌کننده یک باور تاریخی است که ایران را همواره سهم غرب یا معرصر رقابت قدرت‌های غربی می‌دانست که جایی برای چین و روسیه در آن نیست. این دو قدرت شرقی هم پذیرفته بودند که با ایران نمی‌توان یک رابطه پایدار شکل داد. چنانکه فرازفروده‌های روابط ایران و غرب این گذشته نیز به نوعی مؤید این واقعیت بود که به جای تمرکز بر اصلاح روابط با غرب باید به دنبال جایگزین برای آنها باشیم. تعلق تاریخی ایران به حوزه غرب به حدی طبیعی بود که حتی چین و روسیه هم به جای ایجاد یک رابطه مستحکم با ما بیشتر در تلاش برای بهبود روابط ایران با غرب و امریکا بودند، نه اینکه درصد جایگزینی آن باشند.

روی کار آمدن ترامپ باعث شد که او و

دولتش دانسته یا ندانسته با همکاری

با چین و روسیه به تقابل با آنها بپردازند.

خروج امریکا از برجام و سیاست فشار

حداکثری و سیاست‌های براندازانه بولتون

و پمپئو باعث شد که ایران هم کورسوی



اصل نگرانی لازم است حتی مبارک است، کاش این حساسیت را حفظ کرده و در جهت سازنده به کار بندیم. اما از این نحوه مخالفت‌ها احتمالاً راه به جاهای خوبی نمی‌بریم. ایراد چنین مخالفت‌هایی این است که در مرحله نخست، احساسات کاذب تولید می‌کند. منتقد بودن کار چندان سختی نیست، سخت است

■ ■ ■

چین به دنبال دشمنی با ایالات متحده نیست یا در تبادلات تجاری‌اش با ایالات متحده به شرط گرفتن امتیازات لازم، ایران را که هیچ، کل منطقه را هم لازم باشد، ترک می‌کند. من تقریباً مطمئنم ایشان توجه نمی‌کنند از سال ۲۰۱۶ ایالات متحده صادرکننده انرژی شده است و دنیایی که در آن ایالات متحده صادرکننده انرژی است نه واردکننده آن، شباهتی با دنیای قبل

در این صورت آیا انتظار می‌رود که امریکا نسبت به همکاری چین با ایران سکوت بگیرد عادت دیرینه و سنتی خود مبنی بر نگاه به غرب را با سختی و کندی بسیار زیاد به فراموشی سپرده و تغییر رویکرد دهد. این یک تغییر شگرف و بزرگ است و ترک آن رویه تاریخی بسیار قوی و ریشه دار بسیار سخت خواهد بود.

با وجود اینکه ترامپ و مقامات دولت او

مناسبات پیچیده و استراتژیک را ظاهرآ درک

نمی‌کنند، اما آیا سایر استراتژیست‌های

غربی و متفکرین امریکایی حاضر خواهند

بود در ایران با این موقعیت ژئوپلیتیک

شگرف عقب نشینی کرده و این موقعیت

بی‌نظیر را دو دستی به چین واگذار نمایند؟

حضور چین در خاورمیانه و آن هم از طریق

کشور ریشه‌دار و پهناوری مثل ایران تهدید

و شکست بزرگی برای امریکا محسوب

می‌شود. منابع انرژی خلیج فارس و سواحل

دریای عمان که یکی از موقعیت‌های ویژه

در غرب قیانونس هند - میدان رقابت‌های

بزرگ و استراتژیک بین امریکا و چین -

حقیقتاً یک زبان کلان برای امریکا است.

باید بپرسیم پس گزینه و راهبرد بعدی امریکا چه خواهد بود؟ در صورت صحت این فرض‌ها امریکا گزینه دیگری جز پیگیری سیاست براندازی نخواهد داشت. بنظر می‌رسد افراطی‌هایی مانند بولتون، پمپئو، نتانیاهو و تا حدی بن سلمان و بن زیاد مسیر دولت امریکا را دقیقاً در همین راستا ریل‌گذاری کردند. آنها افراد ساده‌لوحی مثل ترامپ را به این سو بردند که برای جلوگیری از باخت استراتژیک امریکا از جمله در مقابل چین چاره‌ای جز مقابله تا حد درگیری نظامی با براندازی وجود ندارد.

چنانچه می‌بینیم امریکا مقامات کلیدی

ایران مانند رهبری معظم انقلاب، دکتر ظریف و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را

تحریم کردند تا از نظام مشروعیت زدایی

کرده و در غیاب افرادی مانند دکتر ظریف

اصولاً گزینه‌ها برای گفت‌وگو تضعیف و

کم اثر شوند. شاید بتوان ترور شهید سردار

سلیمانی را هم در این راستا تحلیل کرد.

نشانه‌هایی برای درستی این تحلیل نیز

وجود دارد. با سرعت‌گیری روابط ایران و

چین عملیات روانی از طرق مختلف شکل



از ۲۰۱۶ ندارد. با مثلاً توجه نمی‌کنند از سال ۲۰۰۸ به طور صریح مسأله اصلی ایالات متحده در بعد بین‌المللی جنگ تجاری با چین است. همین دو گزاره را کنار هم بگذاریم، چین نیازمند انرژی و بزرگترین رقیبش «بی‌نیاز» از انرژی. چین نمی‌تواند از یک منبع انرژی قابل اعتماد (دشمن ایالات متحده: ایران) به بهای امتیازاتی ولو بزرگ براحتی چشم‌پوشی کند. بگذارید ادعایم را عددی‌تر کنم: GDP روزانه کل جهان تقریباً ۳۳۵ میلیارد دلار است، سهم GDP نفت و گاز از این عدد کمتر از ۵ میلیارد دلار است، اما بسیار بعید است کشوری بتواند از این میزان کم چشم‌پوشی کند، زیرا تقریباً تمام آن ۳۳۰ میلیارد دیگر، وابسته به همین میزان اندک است! این امری نیست که چینی‌ها ندانند و به همین جهت سال‌هاست به دنبال گوناگونی‌سازی منابع تأمین انرژی خود هستند، قرارداد سرمایه‌گذاری سنگین و قاعدتاً پرریسک در شرق روسیه هم در میدان راستاست. اینها را نمی‌گویم که همین فکر کنید ایران قرار است چین را در دشمنی با ایالات متحده همراه خود کند، ابداً، فقط می‌خواهم بگویم زمینه پیوند استراتژیک بین ایران و چین وجود دارد. ایران راه خودش نیازهای طرفین داشته‌های طرف دیگر است و این زمینه‌ای برای بهره‌برداری و آبیایم و امید در این راه وجود دارد؛ بله، حتماً. اما امیدها شروع می‌کنم.

■ **بنابراین شما نفس برخی تذکرها یا هشدارها را مثبت می‌دانید اما برخی مخالفت‌ها را نیز از روی ناگامی و بعضاً با غرض‌های سیاسی می‌دانید؟**
اصل نگرانی لازم است حتی مبارک است، کاش این حساسیت را حفظ کرده و در جهت سازنده به کار بندیم. اما از این نحوه مخالفت‌ها احتمالاً راه به جاهای خوبی نمی‌بریم. ایراد چنین مخالفت‌هایی این است که در مرحله نخست، احساسات کاذب تولید می‌کند. منتقد بودن کار چندان سختی نیست، منتقد سازنده بودن اما سخت است. اینگونه مخالفت‌هایک آرازش و نگرانی توأمان کاذب برای خود منتقد و برای بخشی از جامعه که این منتقدین

■ یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۹
■ سال بیست و ششم
■ شماره ۷۳۹۱

تذکره چه خبر؟

مجلسی‌ها به دنبال احیای کوپن

«**خبراول اینکه،** جبار کوچکی نژاد، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس گفت: طرح دوفوریتی نحوه توزیع کالاهای اساسی از سوی برخی نمایندگان تدوین شده و با جمع‌آوری امضا، تقدیم هیأت رئیسه مجلس می‌شود. به گزارش تسنیم، وی درباره جزئیات این طرح ادامه داد: براساس این طرح، دولت ملزم می‌شود تا کالاهای اساسی مورد نیاز را با استفاده از کالابریگ یا کارت الکترونیکی یا روش‌های مشابه دیگر در اختیار مردم قرار دهد. نماینده رشت با بیان اینکه با تصویب این طرح تخصیص ارز یارانه‌ای از دستور کار دولت خارج شده و دیگر ارز با قیمت آزاد ارائه می‌شود، تصریح کرد: با توجه به مشکلات پیش آمده در حوزه اقتصادی بویژه تخصیص ارز یارانه‌ای به کالاهای اساسی که بخوبی اجرا نشد، این طرح تدوین شده است.

انتقاد امام جمعه اصفهان از ترویج دوچرخه‌سواری بانوان

«**خبر دیگر اینکه،** آیه‌الله طباطبایی نژاد امام جمعه اصفهان از ترویج دوچرخه‌سواری بانوان انتقاد کرد. به گزارش جماران، وی با اشاره به عکس درج شده در روزنامه اصفهان زیبا در خطبه‌های نماز جمعه این شهر گفت: «رسانه‌ها به ویژه رسانه‌هایی که مربوط به برخی نهادهاست، مباحثی چون دوچرخه‌سواری زنان را ترویج نکنند زیرا علمای دین تأکید دارند که دوچرخه‌سواری بانوان در اماکن عمومی جایز نیست و به طور قطع رسانه‌هایی که چنین اقداماتی می‌کنند، بدانند این اقدام نوعی بی‌دینی است.»

تنظیم درخواست عفو بر ای ۳ متهم آبان ماه

«**دست آخر اینکه،** وکیل امیرحسین مرادی، یکی از متهمین آبان ماه با اشاره به ابلاغ حکم دیوان عالی کشور درخصوص پرونده سه نفر از متهمین اعتراضات آبان ماه سال گذشته، گفت که درخواست عفو برای متهمان تنظیم شده است. بابک پاک‌نیا در گفت‌وگو با جماران، با بیان تأیید حکم اعدام از سوی دیوان عالی کشور، اظهار داشت: اینها (امیرحسین مرادی، محمد رحبی و سعید تمجیدی) در اعتراضات حضور داشته‌اند ولی به هیچ عنوان بانک و ماشین آتش زده‌اند و صراحتاً در خلاصه کار پرونده از زبان متهمین درج شده که در دادگاه گفته‌اند اقامبری که ما در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسا داشته‌ایم را انکار می‌کنیم و نمی‌پذیریم. پاک‌نیا با اشاره به محتویات دادنامه صادر شده توسط دیوان عالی کشور گفت: یکی از قضات دیوان عالی کشور با حکم اعدام مخالفت کرده و گفته باید تحقیقات بیشتر صورت بگیرد. از سوی دیگر، ما نامه درخواست عفو تنظیم کرده‌ایم چون معتقدیم بین جرم و مجازات تناسب وجود ندارد. یعنی نقش موکلین ما در حوادث آبان ماه به میزانی نبوده که برای آنها حکم اعدام صادر شود و وقتی حکم اعدام صادر شد، خانواده‌های آنها در بهمت بودند. وی همچنین اتهام ارتباط با گروهک منافقین برای امیرحسین مرادی را رد کرد.

سفیر ایران در پکن:

برنامه جامع همکاری‌های ایران و چین یک نقشه راه است

سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین درباره همه‌ها علیه برنامه جامع ۲۵ ساله همکاری‌های چین و ایران گفت: بیشتر این همه‌ها نشأت گرفته از کانال‌های خاص و معاندینسی است که دوست ندارند روابط ایران با کشورهای بزرگی مانند چین رشد پیدا کند و انتظاری جز مخالفت امریکا هم با این برنامه نداشتیم.

«محمد کشاورزاده» در گفت‌وگو با ایرنا، همه‌ها علیه برنامه جامع همکاری‌های ایران و چین را «ضضک و خنده‌دار» خواند و افزود: کشورهایی مانند امریکا که تحریم‌های ظالمانه‌ای علیه ما اعمال می‌کنند و حتی پول‌های ما در کشورهای دیگری مانند ژاپن و کره جنوبی را بلوکه کرده و اجازه نمی‌دهند از آن پول‌ها برای تأمین دارو یا مواد غذایی استفاده کنیم، اکنون «دایه مهربان‌تر از مادر» شده‌اند و خنده‌دار» است. او طرح «ادعاهای مضحک و خنده‌دار» را نوعی توهین به شعور جمعی مردم ایران دانست و گفت: ادعاهایی مانند «واگذاری برخی جزایر به چینی‌ها یا استقرار نیروهای نظامی چین در ایران» در قالب برنامه جامع همکاری‌های ایران و چین، «ضضک، خنده‌دار و نوعی تبلیغات منفی» است. سفیر ایران در چین با انتقاد از برخی از کانال‌های رسانه‌ای داخل ایران هم که چنین مواردی را بازنشر می‌دهند، گفت: این ادعاها، دروغ‌هایی است که هیچ پایه و اساسی ندارد و به طور یقین اگر بتوانیم این سند را به جلو ببریم و نهایی شود، حتما تأثیرات مثبتی در روابط ما با کشورهای دنیا خواهد داشت.

سفیر ایران در چین گفت: برنامه جامع همکاری‌های ایران و چین در واقع، یک برنامه جامع میان دو کشور و «نقشه راه روابط پکن و تهران» است این برنامه چیزی با عنوان «معاهده یا قرارداد» نیست بلکه در واقع نوعی تفاهم میان دو کشور برای توسعه زمینه‌های همکاری دو جانبه است. کشاورز زاده افزود: جزء به جزء، این برنامه در وزارتخانه‌های مختلف و مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و کارشناسی قرار گرفته است و اگر گوشه‌ای از آن خلاف منافع کشور باشد، قطعاً قابل پذیرش نخواهد بود. او گفت: فکر می‌کنم بتوانیم با کشورهای دیگری هم برنامه‌ای مانند برنامه جامع همکاری‌های ایران و چین برای همکاری طراحی کنیم.

سفیر ایران در چین به تاریخچه شکل‌گیری برنامه جامع همکاری‌های چین و ایران اشاره کرد و گفت: در سفر سال ۲۰۱۶ میلادی رئیس جمهوری چین به ایران، روابط دو کشور به سطح «روابط جامع مشارکت راهبردی» ارتقا یافت و در همان سفر نیز برنامه ۲۵ ساله جامع همکاری‌های ایران و چین مطرح شد. کشاورز زاده تصریح کرد: به دنبال طرح این مسأله، مدتی بخش‌های مختلف روی این برنامه کار کردند تا اینکه در سال ۱۳۹۷ در سفر «علی لاریجانی» رئیس وقت مجلس شورای اسلامی به پکن و در ملاقات با «شی جین پینگ» رئیس جمهوری چین این برنامه مجدداً مطرح شد و متعاقباً بیش از هر چیزی به خاطر بخش‌های مربوط به جابجایی و صادرات در این برنامه هم در این زمینه کسب شده است. سفیر ایران در چین ادامه داد: سال گذشته که روابط تجاری تهران- پکن به بالای ۳۳ میلیارد دلار رسید، صادرات ما بر واردات از چین پیشی گرفت و اکنون چین به عنوان یک کشور واردکننده کالای ایرانی می‌تواند در آینده و اقتصاد ما مثرم باشد و نقش بسزایی در رشد و توسعه اقتصادی ما داشته باشد.